

A Jurisprudential and Scientific Examination of Consanguineous Marriage: An Islamic-Medical Approach


Mostafa Saadat (PhD)^{1*}

1. Department of Biology, School of Science, Shiraz University, Shiraz, Iran.

ABSTRACT

Article Type: Research Paper	Background and aim: Consanguineous marriage is highly prevalent in Islamic countries. This type of marriage can increase the risk of underlying and multifactorial diseases. Many people believe that consanguineous marriage is advised and emphasized in Islam. The present study attempts to examine the Hadith in this regard. Materials and methods: This study was conducted using a library research method by referring to primary hadith sources from both Sunni and Shia traditions. Using the software "Jame al-Ahadith" (version 3.5) and the online database "Al-Maktaba al-Shamela," an extensive search was performed to identify hadiths related to consanguineous marriage. The extracted hadiths were examined and validated in terms of chain of narration (sanad) and content. Findings: Six hadiths were found: "Do not marry a close relative, or the child will be born weak", "Emigrate (leave your homeland), so that you do not become weak or defective", "There is no [prohibition against] the daughter of the uncle", "Whoever marries within his own tribe is like a herder grazing in his own courtyard", "Whoever marries for the sake of Allah and to maintain kinship ties, Allah will bestow on him the crown of kingship", and "Our daughters are for our sons and our sons are for our daughters". Among these, the first and second hadiths, as well as the last one, are respectively the most and least well-known. The first three hadiths appear in the compiled works of both Sunni and Shia scholars, the fourth hadith is found only in Sunni sources, and the last two are found only in Shia sources. Conclusion: The present study shows that no hadith was found in Shia or Sunni hadith sources that definitively indicates the superiority of consanguineous marriage over non-consanguineous marriage. Therefore, this type of marriage falls within the category of permissible (mubāh) acts in Islamic law. Keywords: Consanguineous marriage, Islam, Hadith, Genetics
--	---

Received:

7 Nov. 2025

Revised:

18 Mar. 2026

Accepted:

4 Apr. 2026

Published Online:

18 Apr. 2026

Cite this article: Saadat M. A Jurisprudential and Scientific Examination of Consanguineous Marriage: An Islamic-Medical Approach. Islam and Health Journal. 2026; 11(1): 1-14.



© The Author(s).

Publisher: Babol University of Medical Sciences

*Corresponding Author: Mostafa Saadat

Address: Department of Biology, School of Science, Shiraz University, Shiraz, Iran.

E-mail: saadat@shirazu.ac.ir

بررسی روایی و علمی ازدواج خویشاوندی: رویکردی اسلامی-پزشکی


مصطفی سعادت (PhD)^{۱*}

۱. گروه زیست‌شناسی، دانشکده علوم، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

چکیده

نوع مقاله: مقاله پژوهشی سابقه و هدف: ازدواج خویشاوندی در کشورهای اسلامی با فراوانی بالا رواج دارد. این نوع ازدواج می‌تواند خطر بروز بیماری‌های نهفته و چندعاملی را در فرزندان افزایش دهد. باوری در جامعه وجود دارد که اسلام این ازدواج‌ها را توصیه یا تأیید می‌کند. در این پژوهش سعی شده است تا به بررسی احادیث در این زمینه پرداخته شود. مواد و روش‌ها: این مطالعه با روش تحقیق کتابخانه‌ای و با مراجعه به منابع اصلی حدیثی فریقین انجام شد. با استفاده از نرم‌افزار «جامع‌الاحادیث» (نسخه ۳،۵) و پایگاه برخط «المکتبه الشامله»، جستجوی گسترده‌ای برای یافتن احادیث مرتبط با ازدواج خویشاوندی صورت گرفت. احادیث استخراج‌شده از نظر سندی و محتوایی مورد بررسی و اعتبارسنجی قرار گرفتند. یافته‌ها: شش حدیث «لَا تَنْكِحُوا الْقَرَائِبَ الْقَرِيبَةَ، فَإِنَّ الْوَلَدَ يَخْلُقُ ضَاوِياً»، «اَعْتَرِبُوا، لَا تَصُوبُوا»، «لَا امْرَأَةً كَانَتْهُ الْعَمِّ»، «الْاَنْكِاحُ فِي قَوْمِهِ كَالْمُعْتَسِبِ فِي دَارِهِ»، «مَنْ تَزَوَّجَ لِلَّهِ وَ لَصِلَهُ الرَّحِمُ، تَوَجَّهَ اللَّهُ بِتَاجِ الْمُلْكِ» و «بَنَاتُنَا لِبَنِينَ وَ بَنُونَ لِبَنَاتِنَا» یافت شد. از این میان دو حدیث اول و حدیث آخر به ترتیب از بیشترین و کمترین شهرت برخوردارند. سه حدیث اول در کتاب‌های تالیفی علمای سنی و شیعه، حدیث چهارم و دو حدیث آخر به ترتیب فقط در منابع سنی و شیعه مشاهده شد. نتیجه‌گیری: پژوهش حاضر نشان داد که در منابع حدیثی شیعه و سنی، حدیثی که به‌طور قاطع دلالت بر برتری ازدواج خویشاوندی نسبت به ازدواج غیرخویشاوندی داشته باشد، یافت نشد. بنابراین، این نوع ازدواج در حوزه امور مباح شرعی قرار می‌گیرد. واژگان کلیدی: ازدواج خویشاوندی، اسلام، حدیث، ژنتیک	دریافت: ۱۴۰۴/۸/۱۶ ویرایش: ۱۴۰۴/۱۲/۲۷ پذیرش: ۱۴۰۵/۱/۱۵ انتشار: ۱۴۰۵/۱/۲۹
---	---

استناد: مصطفی سعادت. بررسی روایی و علمی ازدواج خویشاوندی: رویکردی اسلامی-پزشکی. نشریه اسلام و سلامت. ۱۴۰۵؛ ۱۱(۱): ۱-۱۴.



© The Author(s).

Publisher: Babol University of Medical Sciences

مقدمه

در ژنتیک انسانی موضوع ازدواج با خویشاوند (یعنی با افرادی که در ۴-۳ نسل گذشته خود دارای حداقل یک نیای مشترک هستند) توجه شمار زیادی از پژوهشگران را به خود جلب کرده است. خویشاوندان به دلیل داشتن نیای مشترک، دارای آلل‌های (alleles) مشترک با خاستگاه یکسان هستند و میزان این اشتراک، بستگی به درجه خویشاوندی آنان با هم دارد. منظور از آلل، شکل‌های مختلف یک ژن است. احتمال داشتن آلل‌های مشترک با خاستگاه یکسان برای خویشاوندان درجه یک (پدر، مادر، خواهر، برادر و فرزند) برابر با ۵۰ درصد و برای خویشاوندان درجه دو (شامل عمو، عمه، خاله، دایی) برابر با ۲۵ درصد می‌باشد. احتمال اشتراک برای افراد غیرخویشاوند برابر با صفر می‌باشد. دارا بودن آلل‌های مشترک، باعث می‌شود که در صورت ازدواج آنان با هم، فرزندان، دو نسخه آلل دریافت کنند، به عبارت دیگر فرزندان برای این گونه آلل‌ها ممکن است به صورت خالص (اصطلاحاً هموزیگوت، homozygote) در آیند. این احتمال، ضریب درون زادآوری (inbreeding coefficient) نامیده شده است و با F نمایش داده می‌شود (۱).

بیماری‌های ژنتیکی که از الگوی وراثتی «نهفته غیرجنسی» (autosomal recessive) تبعیت می‌کنند در صورتی فرد بیمار می‌شود که دو نسخه از آلل بیماری‌زا را دریافت کند؛ احتمالی که در ازدواج‌های خویشاوندی بسیار بیشتر از ازدواج‌های غیرخویشاوندی رخ می‌دهد (۱ و ۲). شایان ذکر است که چند هزار بیماری در انسان شناخته شده است که از این الگوی وراثتی تبعیت می‌کند. صفت چندعاملی (multifactorial traits)، صفتی است که تحت تاثیر عوامل متعدد ژنی و محیطی می‌باشد. صفات چندعاملی، اهمیت بسیار بالایی دارند. برخی از این صفات، تنوع طبیعی (مانند وزن، قد، بهره هوش، میزان سرمی بسیاری از هورمون‌ها، آنزیم‌ها و داروها، تیپ‌های شخصیت، ...) و برخی دیگر بیماری هستند. گزارش‌های متعدد نشان داده است که ازدواج خویشاوندی خطر ابتلا به طیف بسیار وسیعی از بیماری‌های چندعاملی (مانند انواع سرطان‌ها، بیماری‌های قلبی عروقی، آسم، اسکیزوفرنی، اختلال دو قطبی، وابستگی به مواد، بیماری‌های خودایمن، ...) را افزایش می‌دهد (۲). بسیاری از صفات چندعاملی که بیماری نبوده و تنوع طبیعی محسوب می‌شوند، نیز پسرقتی در زاده‌های ازدواج‌های خویشاوندی گزارش شده است، مثلاً وزن هنگام تولد و وزن‌گیری تا ۱۲ ماهگی در کودکان حاصل ازدواج با خویشاوند در مقایسه با کودکانی که پدر و مادر آنان غیرخویشاوند هستند، کمتر می‌باشد (۳).

در بین اعراب دوره جاهلیت نابسامانی زیادی در امر ازدواج وجود داشته و انواع گوناگونی از ازدواج بین آنان رایج بوده است؛ از جمله ضیمن، شغار، بدل، استبضاع، مضامده، مخادنه و رهط (۴). یهودیانی که در اطراف مدینه و نواحی دیگر حجاز ساکن بودند نیز بر اساس شریعت خود ازدواج می‌کردند. همچنانکه از تورات سفر لاویان، باب ۱۸، جملات ۷-۱۳ و باب ۲۰ جمله ۱۷ بر می‌آید آنان ازدواج فرد با برخی از خویشاوندان درجه دو را شرعی می‌دانند (۵). پیشینه ازدواج با خویشاوند به قدمت پیدایش انسان است. در اسطوره‌ها ازدواج بین خویشاوندان درجه اول (والد-فرزند و همچنین خواهر-برادر) گزارش شده است. تقریباً در تمامی تمدن‌ها و جمعیت‌ها ازدواج با خویشاوند درجه اول انجام می‌شده است. در خاندان سلطنتی مصر باستان، (۶) و در خاندان شاهان ایلامی و هخامنشی خویشاوندان درجه یک با یکدیگر ازدواج می‌کرده‌اند (۷).

مدارک باقی‌مانده از ایران باستان گواهی می‌دهد نه تنها این نوع ازدواج در بین ایرانیان وجود داشته که از نظر گردآوردندگان فقه زرتشتی، ازدواج خویشاوندان درجه یک با هم بسیار مطلوب نیز ارزیابی شده است (۸ و ۹). در داستان‌های حماسه ملی نیز ازدواج با خویشاوند گزارش شده است (۱۰ و ۱۱). در حال حاضر، فراوانی ازدواج خویشاوندی در جمعیت‌های مختلف یکسان نیست، در بسیاری از جمعیت‌های آسیایی و آفریقایی فراوانی بالا و در جمعیت‌های با منشأ اروپایی فراوانی اندکی دارد (۲). شایان ذکر است که در گذشته این ازدواج‌ها در تمامی جمعیت‌ها، حتی جمعیت‌هایی که امروزه در میان آنان این گونه ازدواج‌ها رخت بر بسته، فراوان بوده است. در چند سده پیش، ازدواج خویشاوندی پسرعمو با دخترعمو در بسیاری از جمعیت‌های اروپایی وجود داشته است. عوامل گوناگونی با نگرش مثبت افراد نسبت به ازدواج با خویشاوند و همچنین انجام آن ارتباط دارد. این عوامل بسیار متنوع هستند از جمله می‌توان به جنسیت، سن، میزان تحصیلات، دین، وجود بیمای ژنتیکی در خانواده، نوع ازدواج والدین، درآمد خانواده، زندگی در شهر یا روستا، بزرگی و کوچکی محل زندگی و نظایر آن اشاره کرد (۱۵-۱۲).

ازدواج خویشاوندی در کشورهای اسلامی فراوانی بالایی دارد (۲۱-۱۶). در ایران فراوانی ازدواج با خویشاوند، حدود ۴۰ درصد است (۲۵-۲۲). در مناطق شرقی، غربی و جنوبی کشور فراوانی آن بیشتر است و دو استان گیلان و مازندران کمترین فراوانی را دارد (۲۲). ازدواج خویشاوندی احتمال ابتلا فرزندان به بیماری‌های ژنتیکی نهفته غیرجنسی (۱) و شمار زیادی از بیماری‌های چندعاملی را افزایش می‌دهد (۲). بیماری فرزند علاوه بر اینکه بار سنگین مشکلات عاطفی و روانی را برای خانواده به همراه خواهد داشت، هزینه‌های سنگین اقتصادی را نیز برای خانواده و جامعه در پی خواهد داشت.

در ایران، ضرب‌المثل‌هایی به کار برده می‌شود که نشان‌دهنده نگرش مثبت نسبت به خویشاوند و ازدواج بین آنان است، مانند «قوم و خویش گوشت را بخورد، استخوان را نمی‌شکند»، «دختر خوب را به بیگانه نده که حیف است، دختر بد را هم به بیگانه مده که عیب است»، «دختر خوب از قبیله بیرون نمی‌رود، اسب عربی از سرطوله»، «عقد پسرعمو و دخترعمو را در آسمان بسته‌اند»، «قوم و خویش برای روز تنگ، تنگ برای روز جنگ»، «قوم و خویش وصله‌ی جانند»، «وصلت با خویش، معامله با بیگانه» (۲۶).

در میان عشایر عرب خوزستان، نه تنها ازدواج پسرعمو با دخترعمو فراوان است، بلکه رسم عجیبی وجود دارد که اگر یکی از پسرعموها به ازدواج با دخترعمو مایل باشد و از سوی دختر یا خانواده وی درخواست او رد شود، می‌تواند از خواستگاران دختر جهت ازدواج، ممانعت به عمل آورد. این رسم را «نهوه» می‌نامند (۲۷). بنابراین، هر تلاشی که در راستای شناسایی عوامل گرایش به سوی ازدواج با خویشاوند انجام شود، ضرورت دارد. چون گروهی از افراد، ممکن است تصور کنند که انجام این نوع ازدواج از نظر مذهبی اقدامی شایسته است، پژوهشگرانی به بررسی نگرش اسلام به موضوع ازدواج خویشاوندی پرداخته‌اند. با استفاده از دو موتورهای جستجوگر Pubmed و SID هشت پژوهش (پنج مقاله به زبان انگلیسی و سه مقاله به زبان فارسی) یافت شد که در زیر به آنها اشاره می‌شود. در سال ۲۰۰۶/۱۳۸۵ دو مقاله در این زمینه منتشر شده است. نویسنده یکی از این دو مقاله به حدیث اول اشاره می‌کند. ولی آن را به اشتباه از امام صادق (ع) دانسته است (۲۸). مقاله دیگر توسط دکتر اکرمی، عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران منتشر شده است (۲۹). نامبرده با تکی چند از همکاران دو مقاله دیگر در سال‌های ۲۰۰۶ (به انگلیسی) و ۲۰۱۴/۱۳۹۳ (به فارسی) نیز منتشر کرده است (۳۰ و ۳۱). در دو مقاله اول که بسیار به هم شبیه می‌باشد، به روایت غزالی و فراوانی اندک ازدواج با خویشاوند در حضرات معصومین پرداخته شده است. در مقاله آخر به پنج روایت اشاره شده و مجدداً با توجه به فراوانی پایین ازدواج با خویشاوند در میان حضرات معصومین و افزایش خطر بروز بیماری‌های ژنتیکی در فرزندان حاصل از با خویشاوند، نتیجه‌گیری شده است که از نظر اسلام، این ازدواج‌ها اگر مکروه و نامطلوب نباشد، مستحب و مورد توصیه نیز نیست (۳۱). در یادداشتی توضیحی که اینجانب در سال ۲۰۰۷ بر مقاله به زبان انگلیسی منتشر شده بود، پس از تصحیح اشتباهی که در مقاله راه یافته بود با عنایت به همبستگی بسیار بالایی که بین فراوانی ازدواج خویشاوندی گزارش شده در داستان‌های عامیانه ایرانی با فراوانی که در حال حاضر در میان چندین جمعیت ایرانی مشاهده شد، نتیجه‌گیری کردم که تمایل به ازدواج با خویشاوند بسیار ریشه‌دار است و مستقل از دین امروزی جمعیت‌ها می‌باشد (۳۲).

در سال ۲۰۱۹، دو تن از پژوهشگران دانشگاه پیشاور پاکستان، با توجه به عدم تحریم ازدواج خویشاوندان درجه سه (نظیر ازدواج دخترعمو با پسرعمو) در قرآن به ازدواج حضرت محمد (ص) با زینب بنت جحش، ازدواج خلیفه دوم با عاتکه بنت زید بر عمرو بن نفیل و ازدواج حضرت امیر (ع) با حضرت فاطمه زهرا (ع) اشاره می‌کند. وی به خطرات ازدواج خویشاوندی بر سلامت فرزندان و روایت غزالی نیز اشاره می‌کند و نتیجه می‌گیرد که ازدواج با غیرخویشاوند مطلوب است و با توجه به اینکه اسلام مایل به گسترش دایره پیوندهای اجتماعی است، انجام آزمایش‌های ژنتیکی و مشاوره ژنتیکی را توصیه می‌کند (۳۳). پژوهشگر دیگری، به بررسی ازدواج خویشاوندی در شریعت، قانون مدنی الجزایر و پزشکی پرداخته است و با بیان اینکه در شریعت اسلامی دستورالعمل روشنی در مورد ازدواج‌های تحریم شده و مجاز ارایه شده است، به یافته‌های نوین پزشکی و خطراتی که فرزندان را در ازدواج با خویشاوند تهدید می‌کند، پرداخته است. این پژوهشگر اولاً هیچ توجهی به احادیث ندارد و ثانیاً نتیجه مشخصی نیز ارایه نکرده است (۳۴). پژوهشگری اردنی به این مساله پرداخته که آیا ازدواج خویشاوندی پدیده‌ای عربی و اسلامی است یا خیر؟ نامبرده با توجه به فراوانی بالای ازدواج خویشاوندی در کشورهای اسلامی/ غیراسلامی و عرب/ غیرعرب در بسیاری از کشورهای آسیایی و آفریقایی و همچنین با بهره‌گیری از روایت مشهوری که غزالی آن را در کتاب‌هایش آورده، نتیجه گرفته است که تمایل به ازدواج با خویشاوند ربطی به اسلام و عرب ندارد (۳۵). در اکثر پژوهش‌های منتشرشده، استفاده از احادیث اندک بود و بیشتر به حدیثی که امام غزالی در «احیای علوم الدین» آورده، اشاره شده است و سعی در یافتن روایات بیشتر و یافتن اینکه کهن‌ترین منبعی که حدیث در آن کتاب وجود دارد و اینکه عالمی که کتاب را نگاشته، سنی یا شیعه بوده نشده است. در پژوهش حاضر سعی شده است تا این نقیصه رفع شود و با بررسی احادیث مشخص شود که آیا شرع انور این نوع ازدواج را مثبت ارزیابی می‌کند؟

مواد و روش‌ها

به منظور جستجوی احادیث در ارتباط با موضوع ازدواج خویشاوندی، از نرم‌افزار تخصصی «جامع الاحادیث» نسخه ۳/۵ که دربردارنده کتب علمای سنی و شیعه است، استفاده شد. صحت اطلاعات استخراج‌شده از کتب اهل سنت، با استفاده از اطلاعات موجود در پایگاه برخط «المکتبه الشامله» (<http://shamela.ws>) نیز مورد ارزیابی قرار گرفت. تمامی موارد استخراجی از دو پایگاه یکسان بود و تفاوتی بین آنها مشاهده نشد.

یافته‌ها

جستجو در منابع، شش حدیث زیر را در این زمینه مشخص کرد.

۱. «لَا تَنْكِحُوا الْقُرْبَاةَ الْقَرِيبَةَ، فَإِنَّ الْوَلَدَ يُخْلَقُ ضَاوِياً».

این حدیث در بسیاری از کتب اخلاقی، ادبی و فقهی از از حضرت پیامبر (ص) نقل و پیرامون آن سخن بسیار گفته شده است. ظاهراً قدیمی‌ترین کتابی که این حدیث را نقل کرده، «احیا علوم الدین» امام غزالی است (۳۶). غزالی، در دو کتاب دیگر خود یعنی «کیمیای سعادت» (به فارسی) (۳۷) و الوسیط فی المذهب (۳۸) نیز این حدیث را آورده است. کیمیای سعادت، ترجمه فارسی و چکیده کتاب احیا علوم دین است. غزالی در کیمیای سعادت می‌نویسد که: «اما صفاتی که سنت است نگاه داشته شود در زنان هشت است.» آنگاه آن صفات را برشمرده و هر کدام را توضیح می‌دهد. این صفات عبارتند از: پارسایی، خلق نیکو، جمال، کابین سبک، عقیم نبودن، دوشیزه بودن، بودن از نسبی محترم، وی در خصوص صفت هشتم که مرتبط با موضوع این نوشته است، چنین می‌نویسد: «صفت هشتم آنکه از خویشاوندان نزدیک نبود. در خبر است که فرزند از آن ضعیف آید، مگر به سبب آن باشد که شهوت در حق خویشاوند ضعیف‌تر بود.» (۳۷). همان‌گونه که مشخص می‌شود، غزالی علت نهی از ازدواج با خویشاوند را، قلت شهوت نسبت به خویشاوند می‌داند، که نتیجه‌اش نحیفی فرزند است. وی در هر سه کتاب خود علاوه بر نقل حدیث، حکمت اجتناب از انجام این ازدواج را نیز نوشته است.

«ابومحمد حسین بن مسعود البغوی» مفسر، فقیه و محدث معروف که هم‌عصر غزالی بوده در کتاب «التَهْذِیْبُ فِی فِقه الإمام الشافعی» چنین نگاشته است: «وِیَسْتَحِبُّ أَنْ یَخْتَارَ مِنَ الْأَجَانِبِ؛ لَمَّا رَوَى أَنَّهُ -عَلَيْهِ السَّلَامُ- قَالَ "لَا تَنْكِحُوا الْقُرْبَاةَ الْقَرِيبَةَ، فَإِنَّ الْوَلَدَ یُخْلَقُ ضَاوِياً" معناه، اَنْ شهوته لا تتم علی قریبته، فیحصل الولد نضو الخلق ضعیفاً» (۳۹). همچنانکه مشخص است مطلب نوشته شده و چرایی نهی از ازدواج با خویشاوند که در تفسیر حدیث بیان شده، در کتاب‌های غزالی و بغوی یکسان است. باید توجه داشت که کتاب غزالی از نظر زمانی زودتر از کتاب بغوی نگارش شده است. پس از غزالی، این حدیث و همچنین در بسیاری از موارد علت نحیفی فرزند (قلت شهوت نسبت به خویشاوند) در بسیاری از کتب سنی و شیعه بازگو شده است. شماری از منابع سنی و شیعی که این حدیث در آنها آمده است را در پیوست مقاله ملاحظه فرمایید.

۲. «اغْتَرِبُوا، لَا تَضُوءُوا».

قدیمی‌ترین کتابی که این حدیث در آن آمده، کتاب «الْبَیَانُ وَالتَّبیین» می‌باشد که توسط «جاحظ» در سده سوم هجری تألیف شده است (۴۰). این حدیث نیز از قول حضرت محمد (ص) نقل و از آن، برتری ازدواج با غیرخویشاوند برداشت شده است. شماری از منابع شیعی و سنی که این حدیث در آنها آمده است را در پیوست مقاله ملاحظه فرمایید.

۳. «لَا خَیْلَ أَبْقَى مِنَ الدَّهْمِ وَلَا امْرَأَةً كَابَنَةُ الْعَمِّ».

قدیمی‌ترین کتابی که این حدیث به نقل از پیامبر مکرم اسلام (ص) در آن آمده، کتابی است متعلق به قرن چهارم هجری که به نام «جعفریات» و همچنین «الاشعثیات» معروف است (۴۱). این کتاب منسوب به «محمد بن محمد بن اشعث» می‌باشد. این حدیث به نقل از همین کتاب به شماری از کتاب‌های شیعه و سنی وارد شده است.

۴. «النَّكِحُ فِی قَوْمِهِ كَالْمُعْشَبِ فِی دَارِهِ».

این حدیث از پیامبر مکرم اسلام (ص) نقل شده است. قدیمی‌ترین کتابی که این حدیث در آن آمده، «العیال» می‌باشد که توسط «ابن ابی الدنیا» حدیث‌شناس و مورخ سده سوم هجری تألیف شده است (۴۲). شماری از منابعی که این حدیث در آنها آمده است را در پیوست مقاله ملاحظه فرمایید.

۵. «مَنْ تَزَوَّجَ لِلَّهِ وَ لِصَلَةِ الرَّحِمِ، تَوَجَّهَ اللَّهُ بِتَاجِ الْمُلْكِ».

این حدیث از حضرت امام سجاد (ع) نقل شده و کهن‌ترین منبعی که آن را نقل کرده است، «من لا یحضره الفقیه» «شیخ صدوق» (متوفی ۳۸۱ هـ) می‌باشد (۴۳). این کتاب یکی از کتب اربعه شیعه امامیه است. از عبارت «وَلِصَلَةِ الرَّحِمِ» در متن حدیث برداشت شده که چون در ازدواج خویشاوندی فرد فضیلت ازدواج را با صله رحم جمع کرده است، ازدواج خویشاوندی نسبت به ازدواج غیرخویشاوندی، برتری دارد. این حدیث بدون عبارت «وَلِصَلَةِ الرَّحِمِ» در شماری از کتب اهل سنت از جمله در «سنن أبی داود» که از جمله صحاح سته اهل سنت می‌باشد، نیز آورده شده است (۴۴). زمان تألیف این کتاب تقریباً یک سده پیش از تألیف «من لا یحضره الفقیه» می‌باشد. شماری از منابع شیعی که این حدیث در آنها آمده است را در پیوست مقاله ملاحظه فرمایید.

۶. «بَنَاتُنَا لِبَنَاتِنَا وَ بَنُونَا لِبَنَاتِنَا».

این حدیث از قول پیامبر مکرم (ص) نقل شده است. ابن بابویه معروف به شیخ صدوق از علمای قرن چهارم هجری این روایت را در دو کتاب خود «من لا یحضره الفقیه» (۴۵) و «اعتقادات الإمامیه» (۴۶) نقل کرده است. در شماری دیگر از کتب علمای شیعه نیز این حدیث روایت شده است. از میان شش حدیث اشاره شده، «لَا تَنْكِحُوا الْقَرَابَةَ الْقَرِيبَةَ، فَإِنَّ الْوَلَدَ يُخْلَقُ ضَاوِيًا» مشهورترین است. با وجود این، محققین آن را در کتب حدیث ندیده‌اند، لذا نگرش نسبت به آن منفی شده است، تا جاییکه آن را از سخنان حضرت رسول اکرم (ص) ندانسته‌اند. کتاب «شَرْحُ مُشْكِلِ الْوَسِيطِ» تألیف «ابن الصلاح» تألیف سده هفتم هجری قدیمی‌ترین منبع در این خصوص است. وی در خصوص این حدیث و حدیثی دیگر اظهار داشته است «و أما الحديثان بعده، فلم أجد لهما أصلاً معتمداً. والله أعلم.» (۴۷). برخی از پژوهشگران نظیر «راتب النابلسی» این سخن را به خلیفه دوم نسبت داده‌اند (۴۸). با وجود این، استفاده امام غزالی از «لَا تَنْكِحُوا الْقَرَابَةَ الْقَرِيبَةَ، فَإِنَّ الْوَلَدَ يُخْلَقُ ضَاوِيًا» در «احیا علوم الدین» و دو کتاب دیگرش و با توجه به تأثیر شگرفی که وی بر جامعه و علمای اسلامی اعم از سنی و شیعه داشته، باعث شده است که دانشمندان پس از وی، نه تنها این حدیث را در کتاب‌های خود نقل کنند که حتی دلیل نحیف شدن فرزند را هم همچون غزالی بیان کنند. شایان ذکر است که وزن هنگام تولد و سرعت وزن‌گیری تا ۱۲ ماه پس از تولد در کودکانی که حاصل ازدواج خویشاوندی بوده‌اند با آنانی که پدر و مادرشان با هم خویشاوند نبودند، مقایسه شده و مشخص شده است که این دو با هم تفاوت آماری معنی‌داری دارند. ازدواج خویشاوندی با کاهش وزن و سرعت وزن‌گیری فرزند همراه است (۳).

شماری از محققین از جمله ابن قتیبه در «عیون الأخبار» (۴۹)، ابن عبد ربّه در «العقد الفريد» (۵۰) و ابن اثیر در النهایة فی غریب الحديث والأثر (۵۱) حدیث «اغتربوا، لا تزوّوا» را نیز از پیامبر نمی‌دانند بلکه آن را از خلیفه دوم، جناب عمر بن خطاب می‌دانند. ابن قتیبه در «عیون الأخبار» چنین آورده است که «حدثنا أبو عاصم عن عبد الله بن مؤمل عن ابن أبي مليكة أن عمر رحمه الله قال: يا بني السائب، إنكم قد أضويتم فانكحوا في النزاع». «مجاز» به کار رفته در «اغتربوا، لا تزوّوا» باعث شده این سخن، بسیار مورد توجه ادبا یا کسانی که جنبه قوی ادبی داشته‌اند، قرار گیرد، خواه اینکه آنان از نظر فقهی پیرو یکی از مذاهب اهل سنت (جاحظ، ابن اثیر) یا پیرو فقه شیعی (مانند صاحب بن عباد و شریف رضی) بوده‌اند. این دانشمندان به جنبه‌های فنی موضوع نپرداخته، بلکه به معنای واژه‌ها و معنای جمله توجه داشته‌اند. در هر صورت به نظر می‌رسد که این گفته به واسطه وارد شدن در چنین کتاب‌هایی، مشهور شده است.

در خصوص روایت «لَا خَيْلَ أَبْقَى مِنَ الدَّهْمِ وَلَا امْرَأَةً كَائِنَةَ الْعَمِّ» باید اظهار داشت که در سده چهارم هجری امام حافظ ابوالاحمد عبدالله بن عدی جرجانی (۲۷۷-۳۶۵ ق)، از علمای اهل سنت در کتاب «الکامل فی ضعفاء الرجال»، احادیث جمع‌آوری شده در کتاب «الاشعيات» را ضعیف دانسته است (۵۲). پس از وی نیز شماری از دانشمندان اهل سنت گفته‌وی را تکرار کرده‌اند (۵۳ و ۵۴). در میان علمای شیعه نیز مرحوم محمدحسن بن باقر بن عبدالرحیم نجفی، معروف به صاحب جواهر (۱۱۹۲-۱۲۶۶ ق) در کتاب بسیار ارزشمند خویش «جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام» پیرامون کتاب جعفریات، نگاشته‌اند که در واقع، کتاب مذکور، همان‌طور که توسط برخی از علمای برجسته گزارش شده است، جزو منابع مشهور یا حتی معتبر نیست. هیچ یک از علمای ما آن را معتبر ندانسته‌اند و انتساب آن به نویسنده‌اش به‌طور گسترده نقل نشده است و به اندازه کافی معتبر نیست که اعتماد ایجاد کند (۵۵).

حدیث «النَّكاحُ فِي قَوْمِهِ كَالْمَعْشَبِ فِي دَارِهِ» در کتب اهل سنت نسبتاً زیاد روایت شده است ولی در کتب تالیفی شیعه یافت نشد. محقق معاصر «محمد ناصرالدین الألبانی» در کتاب «سلسلة الأحادیث الضعیفة والموضوعة وأثرها السیئ فی الأمة» این حدیث را ضعیف ارزیابی کرده است (۵۶). دو حدیث دیگر در منابع تالیفی شیعی مشاهده شد و در منابع اهل سنت آورده نشده است. حدیث «مَنْ تَزَوَّجَ لِلَّهِ وَلِصَلَةِ الرَّحِمِ، تَوَجَّهَ اللَّهُ بِتَاجِ الْمُلْكِ» به صورت «مَنْ تَزَوَّجَ لِلَّهِ، تَوَجَّهَ اللَّهُ بِتَاجِ الْمُلْكِ» در کتب اهل سنت نیز روایت شده است. بدیهی است این شکل از روایت یعنی بدون عبارت «وَلِصَلَةِ الرَّحِمِ» دیگر نمی‌تواند دلالتی بر موضوع مورد بحث داشته باشد. برخی از علمای شیعه با عنایت به این حدیث ازدواج با خویشاوند را مستحب دانسته‌اند، از جمله شهید اول عالم شیعی قرن هشتم، در کتاب «القواعد و الفوائد فی الفقه و الأصول و العربیة» ازدواج خویشاوندی را چون فضیلت نکاح را با صله رحم با هم جمع کرده است، مستحب می‌شمارد. شایان ذکر است که ایشان به این نکته نیز اشاره می‌کنند که رعایت فاصله نیز مستحب است (۵۷). منظور از رعایت فاصله، ازدواج با خویشاوندان دور است.

در خصوص ازدواج اعم از اینکه با چه کسانی می‌توان ازدواج کرد یا نکرد و همچنین سایر ابعاد حقوقی ازدواج، شارع مقدس در پی سر و سامان دادن به قراردادهای عرفی دوره جاهلیت بوده است. شارع مقدس در چنین فضایی، بایداه و نبایدهایی را وضع کرده تا از مجموعه ازدواج‌های مرسوم در جامعه حجاز و همچنین جمعیت‌هایی که در نزدیکی آنان زیست می‌کردند، شمار زیادی را از اعتبار بیندازد و شمار دیگری را که آنان حرام می‌دانستند، مجاز اعلام کند. اینکه

در قرآن نام برده شده که با چه کسانی نمی‌توان ازدواج کرد بدین معنی که این ازدواج‌ها تحریم شده و کسی که آن را انجام دهد مستوجب عقوبت است. بدیهی است ازدواج با سایر افراد مجاز می‌باشد.

از احادیث نمی‌توان برداشت کرد که ازدواج خویشاوندی حرام یا واجب است. حداکثر ممکن است از احادیث برداشت کرد که ازدواج با خویشاوند، مستحب، مکروه یا مباح باشد و هر سه دیدگاه نزد اهل سنت و شیعه وجود دارد. با جستجوی در منابع شیعه و سنی، احادیثی که به‌طور قاطع دلالت بر برتری ازدواج خویشاوندی نسبت به ازدواج غیرخویشاوندی داشته باشد، یافت نشد. اینکه در قرآن نام برخی از خویشاوندان آورده شده که می‌توان با آنان ازدواج کرد، به معنی مباح و نه واجب و مستحب بودن آن ازدواج‌ها می‌باشد. مشخص است که دلیلی از قرآن بر مستحب بودن ازدواج با خویشاوندانی که ازدواج با آنان مجاز شمرده شده است، در دست نیست.

توجه به دو نکته زیر حائز اهمیت است:

۱. بر کسی پوشیده نیست که اسلام بر عقل و استفاده از آن تأکید فراوان دارد. عقل نه تنها یاری دهنده انسان در آوردن ایمان به اصل دین است، که یاری کننده او در تنظیم امور جامعه و روشن کردن فروع دین نیز می‌باشد. موضوع به خطر افتادن سلامت فرزندان ازدواج خویشاوندی، نکته‌ای نیست که امروزه و در پرتو علم ژنتیک مشخص شده باشد، بلکه در سده‌های پیشین نیز به آن اشاره شده است؛ به‌طور مثال ابن حجر عسقلانی در «التلخیص الحبر» (۵۸) و ابن ملقن در «خلاصه البدر المنیر» (۵۹) به تأثیر ازدواج خویشاوندی بر هوش فرزند تأکید کرده‌اند. تأکید بر ضعف جسمانی فرزندان در ازدواج خویشاوندی، در بسیاری از منابعی که دو حدیث اول و دوم را روایت کرده‌اند، دیده می‌شود. بنابراین، حکم عقلی است که در صورت تهدید سلامت فرد، باید اقدام پیشگیرانه انجام داد. اگر مشخص شود که سلامت فرزند در ازدواجی به خطر می‌افتد، عقل حکم می‌کند که نباید ازدواج کرد. با توجه به «قاعده ملازمه بین حکم عقل و حکم شرع»، می‌توان اظهار داشت که شرع نیز همچون عقل حکم می‌کند که نباید از ازدواج با خویشاوند حمایت کرده و افراد را به انجام آن تشویق نمود.

۲. در هر جمعیتی باورهایی وجود دارد که مردم دلبسته آنهایند. معمولاً ظواهر دستخوش تغییرات شگرف می‌شوند. در چنین حالتی معمولاً باورهای پیشین پس از تحمل تغییراتی به حیات خود ادامه می‌دهد. به‌طور مثال، آریایی‌ها، به دو دسته از خدایان که در ایران باستان به آنها «اهوراها» و «دیوها» می‌گفتند باور داشتند. با اصلاحات دینی زرتشت، دیوها پس از تقدس‌زدایی، تبدیل به خدایان بد شدند. در اوستا و همچنین ادبیات رسمی فارسی مملو از نگوشت دیوان است. با این حال در ادب عامه، دیو هنوز مظهر قدرت و بزرگی است و از نامش برای نامیدن جاهای فراوانی استفاده می‌شود (۶۰). در داستان‌های عامیانه ایرانی، شواهد فراوانی وجود دارد که دیو بی‌چشمداشت به انسان کمک می‌کند، رفتارهای منطقی است، نازک‌دل است، پایبند سوگند است و دارای سجایای اخلاقی است (۶۱). اینها همه بازمانده همان تقدسی است که ایرانیان چند هزار سال پیش برای دیوها قائل بودند. در منطقه‌ای که ما زندگی می‌کنیم، صرف نظر از دینی که افراد بدان معتقدند، ازدواج خویشاوندی فراوان است. این ازدواج در میان زرتشتیان، منداییان (صابیین)، یهودیان، مسیحیان و هندوها فراوانی بالایی دارد (۲۴، ۲۵، ۶۲ و ۶۳) که می‌تواند نشان‌دهنده باوری کهن و مشترک در گذشته آنان باشد.

در داستان‌های عامیانه ایرانی فراوان ازدواج و از جمله ازدواج خویشاوندی گزارش شده است. شگفت‌انگیز اینکه فراوانی ازدواج‌های خویشاوندی گزارش شده در داستان‌های جمع‌آوری شده از جمعیت‌های مختلف با فراوانی کنونی ازدواج خویشاوندی در همان جمعیت‌ها از نظر آماری با هم دارای همبستگی بسیار بالایی دارد (۶۴). شایان ذکر است که در گاتها که سخنان باقی‌مانده از زرتشت است، گفته‌ای پیرامون ازدواج با خویشاوند وجود ندارد. همبستگی بالای فراوانی ازدواج خویشاوندی در داستان‌های عامیانه و واقعیت جامعه نشان می‌دهد که یکی از علل گرایش به سمت ازدواج با خویشاوند، باورهای پیشین است که به صورت بسیار خزنده از نسلی به نسل بعد منتقل شده است و این انتقال ربطی به دین و مذهب کنونی ایرانیان ندارد. جالب اینکه در داستان‌های عامیانه هنوز گزارش‌هایی از ازدواج بین محارم مانند خواهر-برادر و پدر-دختر وجود دارد (۶۴). پیشتر از رسم «نپوه» در خوزستان و همچنین عشایر عرب جنوب عراق که در مجاورت با خوزستان است نام برده شد (۲۷). این موضوع از مراجع تقلید شیعه در ایران و عراق سوال شده و آنان فتوی به حرمت نپوه داده‌اند (۶۷-۶۵).

چه بسا افراد برای باورهایشان، شروع به دلیل تراشی کنند. جامعه ما با توجه به گذشته‌اش، نگرشی مثبت نسبت به خویشاوند و ازدواج خویشاوندی دارد، حال اگر در صدد برآید تا برای آن دلیلی منطقی پیدا کند، چه چیزی بهتر از این که گفته شود، دین آن را سفارش کرده است. واقعیت این است که نه تنها در احادیث، سخنی در تأیید ازدواج خویشاوندی، وجود ندارد که سیره عملی امامان معصوم نیز موید تمایل بیشتر آنان به ازدواج با غریب بوده است. چه اینکه به جز دو ازدواج امام اول و چهارم که با خویشاوند بوده است، فراوان ازدواج با غیرخویشاوند داشته‌اند. شایان ذکر است که همسران بسیاری از امامان نه تنها غریب بودند که اصلاً عرب نیز نبودند.

نتیجه گیری

در دوره پیش از اسلام، در جامعه عرب جاهلی و همچنین در میان یهودیان ساکن حجاز، انواع گوناگونی از ازدواج مرسوم بوده است. شارع مقدس اسلام در این فضا، با وضع احکام جدید، برخی از سنت‌های رایج آن زمان را باطل و برخی دیگر را مجاز اعلام کرد. نص صریح قرآن کریم فقط افرادی را که ازدواج با آنان حرام است، نام می‌برد و ازدواج با کسان دیگری که نام برده نشده است را مجاز می‌شمارد. با بررسی منابع حدیثی نمی‌توان دلیلی قاطع بر حرمت، وجوب یا حتی برتری قطعی ازدواج خویشاوندی نسبت به ازدواج غیرخویشاوندی یافت. بنابراین، از دیدگاه شرعی، این نوع ازدواج در شمار امور مباح قرار می‌گیرد. با توجه به تأکید اسلام بر خردورزی و نقش تعیین‌کننده عقل در تصمیم‌گیری، پژوهش‌های گسترده‌ای که نشان‌دهنده خطرات احتمالی ازدواج‌های خویشاوندی بر سلامت فرزندان است و با بهره‌گیری از «قاعده ملازمه حکم عقل و حکم شرع» می‌توان متوجه شد که چون عقل سلیم انجام کارهای تهدیدکننده سلامت را منع می‌کند، می‌توان اظهار داشت که نباید از ازدواج با خویشاوند حمایت کرد و افراد را به انجام آن تشویق نمود. همچنین باید توجه به عامل تأثیرگذار باورهای کهن و ریشه‌دار اجتماعی نیز داشت. شواهد تاریخی و مردم‌شناختی، از جمله بازتاب گسترده ازدواج با خویشاوند در ادبیات عامیانه ایرانی، نشان می‌دهد که گرایش به ازدواج خویشاوندی بیش از آنکه ریشه در آموزه‌های اسلامی داشته باشد، ناشی از سنت‌های دیرپای فرهنگی است که نسل به نسل انتقال یافته و به روزگار ما رسیده است. بنابراین، نگاه مثبت به این ازدواج‌ها بر پایه توصیه دین اسلام نیست، بلکه تحت تأثیر باورهای اجتماعی شکل گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تضاد منافع: نویسنده اعلام می‌نماید که تضاد منافی در این پژوهش وجود ندارد.

References

1. Saadat M, Amirshahi P. Principals of Human Genetics. 2nd ed. Shiraz University Publications, 2011; p. 277-80. [In Persian]
2. Bittles AH. Consanguinity and its relevance to clinical genetics. *Clinical Genetics*. 2011; 60: 89-98.
3. Nafissi S, Ansari-Lari M, Saadat M. Effect of inbreeding on weight gain of offspring from birth to 12 months after birth, a study from Iran. *Journal of Biosocial Science*. 2010; 42: 195-200.
4. Montazeri-Moghaddam H. Various types of marriages in the pre-Islamic period. *Journal of Islamic History in the Mirror of Research*. 2005; 8: 127-57.
5. Ketab-e Moghaddas. Anjoman-e Paksh-e Kotob-e Moghaddase dar Mian-e Melal, 1980. [In Persian]
6. Scheidel W. Brother-sister marriage in Roman Egypt. *Journal of Biosocial Science* 1997; 29: 361-71.
7. Afkhami B, Khosravi, Z. Phenomenology of marriage with mahrams in ancient Elam and Achaemenid periods. *Women in Culture and Art*. 2016; 9(3): 429-51. [In Persian]
8. Ādurfarnbag ī Dādgī. The Revāyat of Ādur-Farrobay ī Farroxzādān. Translation by Ḥasan Rezai Baghbidi. First ed. Tehran: Center for the Great Islamic Encyclopedia. 2005; p. 123-4. [In Persian]
9. Šāyist nā-Šāyist. Translation by Katāyūn Mazdāpūr. First Edition. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. 1990; p. 233. [In Persian]
10. Firdawsī, Ḥakīm Abū al-Qāsim. Shāhnāmāh. Researched by Jules Mohl. Third Edition. Tehran: Amīr Kabīr Publications. Vol 1, 1984; p. 83. [In Persian]
11. Yādgar ī Zarīrān. Translation by Zhāla Āmūzgār. 1st ed. Tehran: Mu‘īn Publications. 2013; p. 30. [In Persian]
12. Saadat M, Jadda SM. Attitudes towards marriage with relatives in individuals with Instagram pages in Ilam province. *Ilam Culture*. 2021; 22: 7-27. [In Persian]
13. Hasanzadeh-Nazarabadi M, Rezaeetalab G, Dastfan F. Study of youths' knowledge, behavior, and attitude towards consanguineous marriages. *Iranian Journal of Public Health*. 2006; 35: 47-53.
14. Sandridge AL, Takeddin J, Al-Kaabi E, Frances Y. Consanguinity in Qatar: Knowledge, attitude and practice in a population born between 1946 and 1991. *Journal of Biosocial Science*. 2010; 42: 59-82.
15. Sedehi M, Keshtkar AA, Golalipour MJ. The knowledge and the attitude of youth couples on/towards consanguineous marriages in the North of Iran. *Journal of Clinical and Diagnostic Research*. 2012; 6: 1233-6.
16. Hussain R. Community perceptions of reasons for preference for consanguineous marriages in Pakistan. *Journal of Biosocial Science*. 1993; 31: 449-61.
17. Othman H, Saadat M. Prevalence of consanguineous marriages in Syria. *Journal of Biosocial Science*. 2009; 41: 685-92.
18. Shawky RM, El-Awady MY, Elsayedm SM, Hamadanm GE. Consanguineous matings among Egyptian population. *Egyptian Journal of Medical Human Genetics*. 2011; 12: 157-63.
19. Saify K, Saadat M. Consanguineous marriages in Afghanistan. *Journal of Biosocial Science*. 2012; 44: 73-81.
20. El-Kheshen G, Saadat M. Prevalence of consanguineous marriages among Shi'a populations of Lebanon. *Journal of Biosocial Science*. 2013; 45: 675-82.

21. Saadat M, Tajbakhsh K. Prevalence of consanguineous marriages in west and south of Afghanistan. *Journal of Biosocial Science*. 2013; 45: 799-805.
22. Saadat M, Ansari-Lari M, Farhud DD. Consanguineous marriage in Iran. *Annals of Human Biology*. 2004; 31: 263-9.
23. Rafiee L, Saadat M. Prevalence of consanguineous marriages among Iranian Georgians. *Journal of Biosocial Science*. 2011; 43: 47-50.
24. Saadat M, Zarghami M. Consanguineous marriages among Iranian Mandaeans living in south-west Iran. *Journal of Biosocial Science*. 2018; 50(4): 451-6.
25. Saadat M, Parizadeh E. Consanguineous marriage among Iranian Jews, A report from Shiraz, Southern Iran. *Iranian Journal of Public Health*. 2025; 54(4): 891-3.
26. Zolfaghari H. Farhang-e Bozorg-e Zabolmasal-ha-ye Farsi. 1st ed. Tehran, Mo'in Publications. 2009; p. 950, 1329, 1390, 1830, 1391, 1394. [In Persian]
27. Bani-Sa'id SAE. Farhang-e 'Amiyaneh-ye Mardom-e 'Arab-e Khuzestan. Tarava Publications. 1st ed. Ahvaz, 2015; p. 22. [In Persian]
28. Alavi-Mogadam L. Hadith Zendigi. 2006; 33. [In Persian]
29. Akrami SM. Consanguineous marriage; genetic counseling, culture and religious aspects. *Iran Journal of Pediatritcs*. 2006; 16(3): 359-65. [In Persian]
30. Basiri HR, Gouhari M, Akrami SM. Consanguineous marriage from medical genetic, Quran and masomin hadiths aspects. *Pajoheshnameh Thaqalein*. 2000; 1(4): 523-42.
31. Akrami SM, Osati Z. Is consanguineous marriage religiously encouraged? Ialamic and Iranian considerations. *Journal of Biosocial Science*. 2006; 39: 313-6.
32. Saadat M. Is consanguineous marriage historically encouraged? *Journal of Biosocial Science*. 2008; 40: 153-4.
33. Zahid M, Ali A. Cousin marriage in the light of Islam and medical science. *UOCHJRS*. 2019; 2(4): 36-45.
34. Aissaoui F. Consanguineous marriage between sharia, law and medicine. *Journal of Law and Sustainable Development*. 2024; 12(8): 1-14.
35. Khalil AM. Arabization and Islamization of consanguineous marraiges. Is it right? *Medical Journal of Islamic World Academy of Sciences*. 2022; 29(1): 4-14.
36. Al-Ghazali al-Tusi, Abu Hamid. Ihya' 'Ulum al-Din. Dar al-Ma'rifah Publisher, Beirut, Lebanon, Vol 2, 1982; p. 41. [Arabic]
37. Ghazali al-Tusi, Abu Hamid. Kimiya-ye Sa'adat. Corrected by Ahmad Aaram, Ganjineh Publications, Tehran, 4th ed. Vol 1, 1997; p. 247. [In Persian]
38. Al-Ghazali al-Tusi, Abu Hamid. Al-Wasit fi al-Madhhab. Researched by Ahmad Mahmud Ibrahim and Muhammad Muhammad Tamir, Dar al-Salam Publisher – Cairo, Egypt, 1st ed. Vol 1, 1997; p. 27. [Arabic]
39. Al-Baghawi, Abu Muhammad al-Husayn ibn Mas'ud. Al-Tahdhib fi Fiqqh al-Imam al-Shafi'i. Researched by 'Adil Ahmad 'Abd al-Mawjud and 'Ali Muhammad 'Awad, Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah Publisher, 1st ed. Vol 5, 1997; p. 234. [Arabic]

40. Al-Jahiz, 'Amr ibn Bahr ibn Mahbub al-Kinani. *Al-Bayan wa al-Tabyin*. Dar wa Maktabat al-Hilal Publisher, Beirut, Vol 1, 2002; p. 164. [Arabic]
41. Al-Kūfī, Muḥammad ibn Muḥammad al-Ash'ath. *Al-Ja'farīyāt - Al-Ash'athīyāt*. Tehran, Iran: Maktabat Naynawā al-Ḥadīthah, 1st ed. p. 90. [Arabic]
42. Ibn Abi al-Dunya, Abu Bakr 'Abdullah ibn Muhammad ibn 'Ubayd ibn Sufyan ibn Qays al-Baghdadi al-Umawi al-Qurashi. *Al-'Iyal* (in two volumes). Researched by Najm 'Abd al-Rahman Khalaf, Ibn al-Qayyim Publisher, Dammam, Saudi Arabia, 1st ed. Vol 2, 1990; p. 737. [Arabic]
43. Ibn Babouyeh (Sheikh Sadouq), Muhammad bin Ali. *Man la-ehtharol al-Faqih*. Edited by Ali Akbar Ghaffari, publisher of the Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Society of Teachers, Qom, 2nd ed. Vol 3, 1993; p. 385. [Arabic]
44. Abū Dāwūd, Sulaymān ibn al-Ash'ath al-Azdī al-Sijistānī. *Sunan Abī Dāwūd*. Researched by Shu'ayb al-Arna'ūt and Muḥammad Kāmil Qarah Balilī, Dar al-Risalah al-'Ālamiyyah Publisher, 1st ed. Vol 7, 2009; p. 158. [Arabic]
45. Ibn Babouyeh (Sheikh Sadouq), Muhammad bin Ali. *Man la-ehtharol al-Faqih*. Edited by Ali Akbar Ghaffari, publisher of the Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Society of Teachers, Qom, 2nd ed. Vol 3, 1993; p. 393. [Arabic]
46. Ibn Babouyeh (Sheikh Sadouq), Muhammad Ibn Ali. *Beliefs of the Imamiyyah*. Publisher of Sheikh Mofid Congress, Qom, 2nd ed. 1994; p. 111. [Arabic]
47. Ibn al-Salah, 'Uthman ibn 'Abd al-Rahman. *Sharh Mushkil al-Wasit*. Researched by 'Abd al-Mun'im Khalifah Ahmad Bilal, Dar Kunuz Ishbiliya lil-Nashr wa al-Tawzi' Publisher, Kingdom of Saudi Arabia, 1st ed. Vol 3, 2011; p. 529. [Arabic]
48. Ratib al-Nabulsi, Muhammad. *Mawsu'at al-I'jaz al-'Ilmi fi al-Qur'an wa al-Sunnah*. Dar al-Maktabi Publisher, Damascus, Syria, 2nd ed. Vol 1, 2005; p. 85. [Arabic]
49. Ibn Qutaybah al-Dinawari, Abu Muhammad 'Abdullah ibn Muslim. *'Uyun al-Akhbar*. Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah Publisher, Beirut, Vol 2, 1997; p. 79. [Arabic]
50. Ibn 'Abd Rabbih, Abu 'Umar Shihab al-Din Ahmad ibn Muhammad. *Al-'Iqd al-Farid*. Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah Publisher, Beirut, 1st ed. Vol 7, 1984; p. 127. [Arabic]
51. Ibn al-Athir, Majd al-Din Abi al-Sa'adat al-Mubarak ibn Muhammad ibn Muhammad ibn Muhammad ibn 'Abd al-Karim al-Shaybani al-Jazari. *Al-Nihayah fi Gharib al-Hadith wa al-Athar*. Researched by Tahir Ahmad al-Zawi and Mahmud Muhammad al-Tanahi. Al-Maktabah al-'Ilmiyyah Publisher, Beirut, Vol 5, 1979; p. 31. [Arabic]
52. Ibn 'Adī al-Jurjānī, Abū Aḥmad. *Al-Kāmil fi Ḍu'afā' al-Rijāl*. Researched by 'Ādil Aḥmad 'Abd al-Mawjūd & 'Alī Muḥammad Mu'awwad, and 'Abd al-Fattāḥ Abū Sinnah. Beirut, Lebanon: Al-Kutub al-'Ilmiyyah, 1st ed. Vol 7, 1997; p. 566. [Arabic]
53. Ibn Hajar al-'Asqalānī, Abū al-Faḍl Aḥmad ibn 'Alī ibn Muḥammad ibn Aḥmad. *Lisān al-Mīzān*. Researched by Dā'irat al-Ma'ārif al-Nizāmiyyah – India. Beirut, Lebanon: Mu'assasat al-A'lamī li-l-Maṭbū'āt, 2nd ed. Vol 5, 1971; p. 362. [Arabic]

54. Ibn al-Jawzī, Jamāl al-Dīn Abū al-Faraj ‘Abd al-Raḥmān ibn ‘Alī ibn Muḥammad. *Al-Ḍu‘afā’ wa al-Matrūkūn*. Researched by ‘Abd Allāh al-Qāḍī. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyyah, 1st ed. Vol 3, 1983; p. 97. [Arabic]
55. Al-Najafi Al-Javaheri, Mohammad Hasan. *Javaher ol kalam*. Researched by Abbas Qouchani, Dar Ehya al-torath alArabi, Beirut, Lebanon, 7th ed. Vol. 21, 1983; p. 398. [Arabic]
56. Al-Albani, Muhammad Nasir al-Din. *Silsilat al-Ahadith al-Da'ifah wa al-Mawdu'ah wa Atharuha al-Sayyi' fi al-Ummah*. Maktabat al-Ma'arif Publisher, Riyadh, Kingdom of Saudi Arabia, 1st ed. Vol 3, 1992; p. 41. [Arabic]
57. Al-Shahid al-Awwal, Abu 'Abdullah Shams al-Din Muhammad ibn Makki ibn Muhammad al-Shami al-'Amili al-Jizzini. *Al-Qawa'id wa al-Fawa'id fi al-Fiqh wa al-Usul wa al-'Arabiyyah*. Researched by Sayyid 'Abd al-Hadi Hakim, Maktabat al-Mufid Publications, Qom, Vol 1, 1980; p. 381. [Arabic]
58. Ibn Hajar al-Asqalani, Abū al-Faḍl Aḥmad ibn ‘Alī ibn Muḥammad ibn Aḥmad. *Al-Talkhīṣ al-Ḥabīr fi Takhrīj Aḥādīth al-Rāfi‘ī al-Kabīr*. Researched by Abū ‘Aṣim Ḥasan ibn ‘Abbās ibn Quṭb, Mu’assasat Qurtubah Publisher, Egypt, 1st ed. Vol 5, 1995; p. 2241. [Arabic]
59. Ibn al-Mulaqqin, Sirāj al-Dīn Abū Ḥafṣ ‘Umar ibn ‘Alī ibn Aḥmad al-Shāfi‘ī al-Miṣrī. *Khulāṣat al-Badr al-Munīr*. Maktabat al-Rushd li-al-Nashr wa al-Tawzī‘ Publisher, 1st ed. Vol 7, 1990; p. 500. [Arabic]
60. Saadat M. Non-random distribution of geographical places in Iran with the word “Div” in their names”. *Journal of Culture and Folk Literature*. 2017; 5(15): 25-45. [In Persian]
61. Saadat M. "Analysis of the Positive Role of "Divs" in the Folk Tales of Greater Khorasan". *Journal of Iranian Regional Languages and Literature*. 2019; 5(4): 24-44. [In Persian]
62. Farhud DD, Mahmoudi M, Kamali MS, et al. Consanguinity in Iran. *Iranian Journal of Public Health*. 1991; 20: 1-15.
63. Sharma SK, Kalam MA, Ghosh S, Roy S. Prevalence and determinants of consanguineous marriage and its types in India: evidence from the National Family Health Survey, 2015-2016. *Journal of Biosocial Science*. 2021; 53: 566-76.
64. Saadat M. Consanguinity marriages in Iranian folktales. *Community Genetics*. 2007; 10: 38-40.
65. Tabrizi J. *Istifta'at-e Jadid*. Sarwar Publisher, Qom, 3rd ed. Vol 2, 2006; p. 324-5. [In Persian]
66. Fayyaz MI. *Al-Masa'il al-Mustahdathah*. Mu'assasat Muhammad Rafi' Husayn Ma'rifi Publisher, Kuwait, 1st ed. 2005; p. 159. [Arabic]
67. Makarem-Shirazi N. *Ahkam-e Banovan*. Prepared and Organized by Hujjat al-Islam wa al-Muslimin Abolqasem Alian Nezhadi. Madresat al-Imam Ali ibn Abi Talib (a.s.) Publisher, Qom, 11th ed. 2007; p. 222-3. [In Persian]

پیوست:

۱. پاره‌ای از کتاب‌ها به ترتیب زمان تألیف که در آن حدیث «لَا تَنْكَحُوا الْقَرَابَةَ الْقَرِيبَةَ، فَإِنَّ الْوَلَدَ يَخْلُقُ ضَاوِيًا» آورده شده است:
 - النهایه فی غریب الحدیث و الأثر از ابن‌الاثیر (متوفی ۶۰۶هـ)، (۱۳۹۹هـ/۱۰۶۳).
 - العزیز شرح الوجیز المعروف بشرح الکبیر از الرافعی القزوی (متوفی ۶۲۳هـ)، (۱۴۱۷هـ، ۴۶۷/۷).
 - تذکره الفقهاء از علامه حلی (متوفی ۷۲۶هـ)، (۱۳۸۸هـ/۵۶۹/۲).
 - طبقات الشافعیه از تقی‌الدین السبکی (متوفی ۷۷۱هـ)، (۱۴۱۳هـ/۳۱۰/۶).
 - خلاصه البدر المنیر از ابن‌ملقن (متوفی ۸۰۴هـ)، (۱۴۱۰هـ/۱۷۹/۲).
 - التخلیص الحبیر فی تخریج احادیث الرافعی الکبیر از ابن حجر العسقلانی (متوفی ۸۵۲هـ)، (۱۴۱۶هـ/۳۰۴/۳).
 - ارشاد الساری فی شرح صحیح البخاری از شهاب‌الدین قسطلانی (متوفی ۹۲۳هـ)، (۱۳۲۳هـ/۲۳/۸).
 - مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام از شهید ثانی (متوفی ۹۶۶هـ)، (؟هـ/۱۵/۷).
 - تحفه المحتاج فی شرح المنهاج از ابن حجر التهمیمی (متوفی ۹۷۴هـ)، (۱۳۵۷هـ/۱۸۹/۷).
 - الإفصاح عن احادیث النکاح از ابن حجر التهمیمی (متوفی ۹۷۴هـ)، (۱۴۰۶هـ/۷۳-۷۴).
 - المحجه البیضاء از فیض کاشانی (متوفی ۱۰۹۱هـ)، (۱۳۷۲، ۱۳۲/۳).
 - الفوائد المجموعه فی احادیث الموضوعه از بدرالدین الشوکانی یمنی (متوفی ۱۲۵۰هـ)، (۱۴۱۶هـ/۱۳۱).
۲. حدیث «اغْتَرَبُوا، لَا تَضُؤُوا» در شماری از کتب نقل شده است که عبارتند از:
 - غریب الحدیث از ابن قتیبه الدینوری (متوفی ۲۷۶هـ)، (۱۳۹۷هـ/۷۳۷/۳).
 - غریب الحدیث از الحربی (متوفی ۲۸۵هـ)، (۱۴۰۵هـ/۳۷۸/۲).
 - الصحاح تاج اللغة وصحاح العربیة از إسماعیل بن حماد الجوهري الفارابی (متوفی ۳۹۳هـ)، (۱۴۰۷هـ/۱۹۱/۱).
 - معجم دیوان الأدب از الفارابی، (متوفی ۳۵۰هـ)، (۱۴۲۴هـ/۳۹۶/۲).
 - امالی از ابن‌الشجری (متوفی ۵۴۲هـ)، (۱۴۱۳هـ/۲۵۲-۲۵۳).
 - شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم از نشوان بن سعید یمنی حمیری (متوفی ۵۷۳هـ)، (۱۴۲۰هـ/۴۹۴/۸).
 - النهایه فی غریب الحدیث و الأثر از ابن‌الاثیر (متوفی ۶۰۶هـ)، (۱۳۹۹هـ/۱۰۶/۳).
 - خلاصه البدر المنیر از ابن‌ملقن (متوفی ۸۰۴هـ)، (۱۴۱۰هـ/۵۰۰/۷).
 این حدیث در شماری از کتاب‌های علمای شیعه نیز آمده است، که عبارتند از:
 - ترتیب اصلاح المنطق از ابن سکیت (متوفی ۲۴۶هـ)، (۱۴۲۳هـ/۱۴۷).
 - المحيط فی اللغة از صاحب ابن‌عباد (متوفی ۳۸۵هـ)، (۱۴۱۴هـ/۶۳/۸).
 - المجازات النبویه از شریف الرضی (متوفی ۴۰۶هـ)، (۱۴۲۲هـ/۱۰۰).
۳. پاره‌ای از کتاب‌ها به ترتیب زمان تألیف که در آن حدیث «النَّكَاحُ فِي قَوْمِهِ كَالْمُعْشَبِ فِي دَارِهِ» آورده شده است:
 - المعجم الکبیر از أبو القاسم الطبرانی (متوفی ۳۶۰هـ)، (۱۴۳۳هـ/۱۱۴/۱).
 - معرفة الصحابة از أبو نعيم الأصبهانی (متوفی ۴۳۰هـ)، (۱۴۱۹هـ/۱۰۴/۱).
 - الفردوس بمأثور الخطاب از أبوشجاع الديلمی الهمدانی (متوفی ۵۰۹هـ)، (۱۴۰۶هـ/۳۱۳/۴)؛ با «أبوشجاع سلطان الدولة پناه‌خسرو دیلمی»، امیر مقتدر و معروف آل‌بویه (درگذشته ۴۱۵هـ)، اشتباه گرفته نشود.
 - الأحادیث المختارة أو المستخرج من الأحادیث المختارة مما لم یخرجه البخاری ومسلم فی صحیحیهما از ضیال‌الدین المقدسی (متوفی ۶۴۳هـ)، (۱۴۲۰هـ/۴۱/۳).
 - جامع المسانید والسُنن الهادی لأقوم سنن از ابن‌کثیر (متوفی ۷۷۴هـ)، (۱۴۱۹هـ/۴۲۷/۴).
 - الإفصاح عن أحادیث النکاح از ابن حجر الهیثمی (متوفی ۹۷۴هـ)، (۱۴۰۶هـ/۱۱۰).

۴. پاره‌ای از کتاب‌ها به ترتیب زمان تألیف که در آن حدیث «مَنْ تَزَوَّجَ لَهِ وَلَ لَصَلَّةُ الرَّحْمِ، تَوَجَّهَ اللَّهُ بِتَاجِ الْمُلْكِ» آورده شده است:
- مکارم الاخلاق از رضی الدین طبرسی (متوفی قرن ششم هـ)، (۱۹۷۲م، ۱۹۸).
 - عوالی اللئالی از ابن ابی حمهور احسائی (زنده در ۶۰۴هـ)، (۱۴۰۴هـ ۳/۳۰۳).
 - الوافی از فیض کاشانی (متوفی ۱۰۹۰هـ)، (۱۴۰۶هـ ۲۱/۳۵).
 - تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة از حرعاملی (متوفی ۱۱۰۴هـ)، (؟هـ ۱۳/۵۱).
 - معرفة الصحابة از أبو نعیم الأصبهانی (متوفی ۴۳۰هـ)، (۱۴۱۹هـ ۶/۳۰۸۶).
 - مصابیح السنة از البغوی (متوفی ۵۱۶هـ)، (۱۴۰۷هـ ۳/۱۹۸).
 - هداية الرواة إلى تخريج أحاديث المصابيح والمشكاة از ابن حجر العسقلانی (متوفی ۸۵۲هـ)، (۱۴۱۶هـ ۴/۲۰۶).